



Workflow between civil and shari'a courts in the later Qajarid period

Shahram Yousefifar¹

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly



Abstract:

Purpose: Answers the question whether the reform in the justice system changed the relation between the two types of courts, or changed the overall judiciary system.

Method and Research Design: Data for this study was gathered from two collections of archival documents belong to the Adliyye Azam (circa. 1904).

Findings and Conclusion: Reform implemented by the state restricted the power 89of the Shari'a courts, nevertheless, their structure and privileges remained intact until the 1907 Constitutional Revolution.

Keywords:

Shari'a courts; Divan Adliyye Azam; legal procedure; Iran; Judiciary system.

1. Professor of History, University of
Tehran, Tehran, I. R. Iran
shyousefifar@ut.ac.ir

Copyright © 2019, NLAI (National
Library & Archives of I. R. Iran). This
is an Open Access article distributed
under the terms of the Creative Com-
mons Attribution 4.0 International,
which permits others to download this
work, share it with others and adapt
the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«114»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/ganj.2019.2365

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 29, No. 2, Summer 2019 | pp: 150 -175 (26) | Received: 4, May, 2019 | Accepted: 17, Sep. 2019

Archival studies





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیمی

گردش کار اداری بین محاکم عرف و شرع در آستانه مشروطیت، براساس بایگانی دیوان عدلیه اعظم (۱۳۲۲ق)

شهرام یوسفی فر^۱

چکیده:

هدف: مقاله حاضر به این پرسش می پردازد که آیا اصلاحات در عدلیه، روابط دادگاه های شرع و عرف را دگرگون کرد یا تأثیر آن بیشتر در حوزه حقوق عمومی کشور باقی ماند.
روش / رویکرد پژوهش: داده ها از اسناد بایگانی دیوان عدلیه اعظم (از حدود سال های ۱۳۲۲ق) استخراج شده است.

یافته ها و نتیجه گیری: به علت بعضی تغییرات در آموزه ها و مقررات حقوقی وضع شده از سوی حکومت، محدودیت هایی بر حدود اختیارات محاکم شرع ایجاد شد؛ ولی ساختار و مجموعه امتیازات این محاکم تا آستانه مشروطیت پابرجا ماند.

کلیدواژه ها:

محاکم شرع؛ دیوان عدلیه اعظم؛ آیین دادرسی؛ مجلس اجرا؛ التزامنامه.

۱. استاد تاریخ ایران، گروه تاریخ، دانشگاه
تهران، تهران، ایران
shyousefifar@ut.ac.ir



گنجینه اسناد

«۱۱۴»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۱۹.۲۳۶۵

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۲۹، دفتر ۲، تابستان ۱۳۹۸ | صص: ۱۵۰ - ۱۷۵ (۲۶)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۳۰ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۲۶

مطالعات آرشیمی

۱. مقدمه

تا پیش از مشروطه بیشتر امور زندگی روزمره مردم ایران براساس مقررات و هنجارهای عرفی تنظیم و قاعده‌مند می‌شد (کنفینو، ۱۳۹۴، ص ۱۷۱، جوادی، ۱۳۹۰، صص ۳۴-۳۵)؛ ولی شماری دیگر از امور، بنابه اهمیت و تأثیرات درازمدتشان در زندگی فردی و اجتماعی، در قالب‌های حقوقی تنظیم و ثبت می‌شدند. نقش نظام حقوقی و قضایی در برقراری امنیت و نظم در جامعه (امنیت روانی فردی و اجتماعی، کاهش چالش‌های اجتماعی، حل و فصل منازعات، امنیت سرمایه و حقوق مالکیت، برقراری عدالت و نظم اجتماعی) قابل‌ارزیابی است. تاریخ اجتماعی نهادهای حقوقی و قضایی، درکی عمیق‌تر از زندگی روزانه به‌دست می‌دهد؛ البته کمبود داده و نبود مطالعات کافی دو مانع جدی در این مسیر است.

امور حقوقی و قضایی همواره در تاریخ ایران در الگوی دوگانه عرف و شرع سامان یافته‌است و از نظر ساختار، کارکردها، قوانین و وظایف و نیز آموزه‌ها و مفاهیم، تغییرات زیادی را از سر گذرانده‌است. یکی از دشوارترین دوره‌های تغییر در حوزه قضایی مربوط به هنگام رویارویی این حوزه با نظام حقوقی سرمایه‌داری و پیامدهای اجتناب‌ناپذیر ماهیت هژمونیک آن بود.

موقعیت و سرگذشت تاریخی ساختار حقوقی و قضایی ایران در دوره قاجار، از دو منظر قابل طرح و بحث است: ۱. از منظر تاریخ حقوق: تأثیر تفاوت‌های بنیادین دو نظام در تداوم و تحول آموزه‌های حقوقی و نظام دادرسی؛ ۲. از منظر تاریخ دیوان‌سالاری و بروکراسی: مطالعه تکاپوهای اصلاح‌گرایانه در تشکیلات حکومت با هدف ارتقای کارآمدی آن. مقاله حاضر پژوهشی سندی درباره‌ی گردش امور اداری بین محاکم عرف و شرع در آستانه مشروطیت در ایران است.

۲. طرح موضوع

بررسی تحولات تاریخی تشکیلات دادرسی عرف و شرع و روابط این دو در دوره قاجار، زمینه‌های مؤثری را برای فهم تحولات جامعه ایران به‌دست می‌دهد. در اندک آثار موجود (ساکت، ۱۳۶۵، امین، ۱۳۸۲، طیبی، ۱۳۸۸، زندیه، ۱۳۹۲) الگو و جزئیات روابط محاکم عرف و شرع (موضوع پژوهش حاضر) طرح و بحث نشده‌است. در نظر کنشگران سیاسی و اجتماعی، در فرایند اصلاحات دوره قاجار برنامه‌نوسازی اندیشه‌های حقوقی و تشکیلات قضایی (عدلیه) پیش‌تاز بوده‌است و چون دیوان عدلیه یکی از مفاصل اصلی ارتباط حکومت و نمایندگان عالمان دین بوده‌است، نوسازی آن بر رابطه محاکم عرف و شرع مؤثر بوده‌است.

۳. پرسش پژوهش

آیا فرایندهای نوسازی حقوقی و قضایی فقط به دیوان عرف منحصر بوده یا تشکیلات و روندهای محکمه شرع را نیز دربر گرفته است؟

در این باره دو فرض مطرح می شود:

۱. از منظر حکمرانی، راهبردهای اصلاحی باید فرایندهای حقوقی و قضایی عرفی و شرعی را به طور متوازن دربر می گرفت.

۲. اصلاحات مزبور فقط معدودی از صلاحیت‌های حقوقی و قضایی (مانند رسیدگی به امور اقلیت‌ها، اتباع خارجه، برخی امور بازرگانی) یا الزامات و حقوق اداری جدید (مانند ثبت اسناد، و الصاق تمبر) را شامل می شد و تأثیراتی اساسی و پایدار در روند گردش کار این بخش نداشت.

با وجود این که شماری اثر ارزشمند در تاریخ حقوق ایران در دست است، اما به دلیل آن که تا کنون داده های کافی در باب موضوع این مقاله در دسترس نبوده است، غور لازم در این موضوع صورت نگرفته است، اطلاعات موجود در دو کتابچه نویافته (سوابق بایگانی عدلیه اعظم) امکان بررسی و جوهی از روابط دو تشکیلات مزبور را بدست می دهد.

۴. مستندات پژوهش

بایگانی دیوان عدالت (عدلیه اعظم) بنابه روال‌های معمول نگاهداری سوابق دیوانی، به دو دسته اوراق قابل نگاهداری و اوراق غیر ضروری دسته بندی می شود. از وضعیت سابقه بایگانی های دیوان مزبور، اطلاعی نداریم؛ البته با جست و جوی دقیق و روشمند می توان بخشی درخور از بازمانده های سوابق مزبور را از آرشیو ملی، مراکز اسناد دولتی، خصوصی و نیز سایر مدارک، شناسایی و بازسازی کرد. آنچه اکنون در دست است شامل «کتابچه ثبت قبالات دیوان خانه عدلیه اعظم از بابت هذه السنه لوی نیل ۱۳۲۲ شهر محرم الحرام» (۵۶ برگ) و «کتابچه ثبت التزامات دیوان خانه عدلیه اعظم از بابت هذه السنه لوی نیل ۱۳۲۲ شهر محرم الحرام» (۲۷ برگ) است که در یک مجلد صحافی شده و با شماره ۸۳۱۷ در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم ثبت شده است. این دو کتابچه در حکم نوعی جدید از منابع تاریخ حقوق و قضا است و حاوی داده هایی بسیار ارزشمند برای مطالعات تاریخ اجتماعی ایران است.

پژوهش حاضر با روش اسنادی و آرشیوی انجام شده است؛ به این شکل که ابتدا موضوع پژوهش با تکیه بر مطالعه تاریخی و براساس اسناد آرشیوی موجود از مقطع زمانی مدنظر، پیشینه کاوی و تحلیل شد. در گام بعد گردش کار اداری بین دو نهاد دادرسی

۱. از جمله فریدون آدمیت (۱۳۴۲ و ۱۳۸۵)، حسن زندیه (۱۳۹۲)، محمد طیبی (۱۳۸۸)، حسن امین (۱۳۸۲) و kondo (۲۰۱۷).

مدنظر (دیوان عدالت و محکمه شرع) براساس نظام اسناد تولیدشده در این دو بخش و با تکیه بر دانش آرشیوی بازسازی شد. به دلیل فقدان مطالعات قبلی، و نیز تکیه بر دو کتابچه بایگانی دیوان عدلیه اعظم، موضوع کاملاً جنبه اکتشافی و مطالعه کیفی پیدا کرده است. در ادامه ابتدا موقعیت تاریخی دو نهاد دادرسی دیوان عدالت و محکمه شرع تشریح می شود و سپس الگوی روابط این دو نهاد بازسازی می شود تا بتوان پاسخی برای پرسش های تحقیق عرضه کرد.

۵. محاکم حقوقی و قضایی در ایران: شرع و عرف

نظام اجتماعی ایران، همواره بر دو رکن شرع (مبتنی بر ساختارهای دینی) و عرف (تجربه زیست شده آدمیان) استوار بود. حوزه شرع ساحت دین، قوانین، مقررات و نحوه کاربست آن را در جامعه دربر می گرفت و حوزه عرف امور گوناگون زندگی روزمره را^۱ آمیختگی های این دو حوزه مانع از تمییز آن ها از یکدیگر در ادوار تاریخی می شود. دخالت در امور حوزه شرع^۲ در صلاحیت عالمان دین بود که از آن جمله، دانش حقوق شرعی، تولید ادبیات حقوقی و بررسی های مربوط، و فرایند دادرسی شرعی در ساختاری با عنوان «محکمه شرع» متمرکز بود. حاکم شرع در محکمه (محضر) شرع، وفق ضوابط و مقررات دینی و مذهبی به امور مربوط رسیدگی و درباره آن ها تصمیم گیری می کرد. حاکم شرع با ویژگی های (مجتهد جامع الشرایط، متبحر در فروع فقهی، اشتهار به عدالت، و مقبولیت نزد عامه) (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۳، ص ۸۸)، به دعاوی مدنی (ازدواج، طلاق، نسب)، برخی جرائم (امور جنحه و جزایی مانند ضرب و جرح)، فصل خصومت، تعیین برخی امور جزایی (میزان دیه و ارش^۳)، امور حسبی (تعیین وراثت، تحریر ترکه، تنظیم و تنفیذ وصیت، تعیین قیم و دیگر موضوعات) (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۳، صص ۸۸-۸۹) و (kondo, 2017, pp 38-44)، رسیدگی و احکام ضروری (مستوفی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۰۰) را صادر می کرد.

در محکمه عرف به شماری دیگر از امور حقوقی و قضایی که عمدتاً دعاوی کیفری، دعاوی مردم بر دولت و دعاوی مدنی بود رسیدگی و حکم صادر می شد (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۳، ص ۸۹). صلاحیت اصلی این محکمه رسیدگی به احداث^۴ اربعه (قتل، ازاله بکارت، کورکردن چشم، و شکستن دندان) و تحرکات علیه امنیت عمومی و موارد دیگر بود (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۳، صص ۸۸-۸۹)؛ (kondo, 2017, pp 22-23). البته چون حدود صلاحیت های دو محکمه عرف و شرع به دقت روشن نبود، تداخل محضر شرع و دیوان خانه پرهیزناپذیر بود (آدمیت، ۱۳۶۲، ص ۳۰۷؛ مستوفی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۰۰؛ امین، ۱۳۸۲، صص ۴۰۴-۴۰۸). صلاحیت های قضایی و شرعی قاضی^۱ در سده های میانه تا دوره قاجار یکسان بود.

۱. «انجام مکرر و مستمر یک کار یا ترک مکرر و مستمر آن به گونه ای که مردم بدون هیچ قراردادی یا الزام قانونی خود را به انجام یا ترک آن ملزم بدانند» (رک: دانش پژوه، ۱۳۸۹، ص ۱۵۴؛ فلور و بنانی، ۱۳۸۸، حاشیه، صص ۶۰۵). این تعریف رایج، در نزد حقوق دانان که «عرف عملی» را مدنظر دارند دقت بسیاری دارد؛ ولی درهم پیچیدگی حوزه شرع و عرف در تاریخ ایران را به خوبی توضیح می دهد.

۲. صورت بندی شرع در این قضیه چنین است: خداوند به عنوان حاکم جهان قوانین را صادر و از طریق پیامبران ابلاغ می کند. زیست طبق احکام و قوانین الهی اساس دین است. واژه شرع غالباً به معنی عام دین و حیاتی به کار می رود. حوزه شرع به تدریج چنان وسیع و گسترده شده است که امروزه به سختی فهم و دریافت می شود؛ از جمله: حوزه عبادات، خوردنی ها، معاملات، و برخی حوزه های اخلاقی (رک: کرون، پاتریشیا، ۱۳۸۹). تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام، (مسعود جعفری، مترجم)، تهران: سخن، صص ۴۲-۴۳.

۳. مقدار مالی که به عنوان جبران خسارت مالی یا بدنی، که در شریعت برای آن اندازه ای مشخص نشده به خسارت دیده پرداخت می شود.

۴. جمع حدت



۶. گردش کار در محکمه شرع: تولید اوراق، بایگانی و آرشیو

چون بیشتر اسناد دو کتابچه بررسی شده به حوزه محاکم شرع مربوط است، ابتدا فرایند تولید، بایگانی و آرشیو اسناد در محاکم شرع تشریح می‌شود. در بین مسلمانان مکتوب کردن قرارها همواره مورد تأکید بوده است. نظام استنادی محاکم شرع با تکیه بر اسناد کتبی و شهادت شهود بسیار تکامل یافته بود (شاخت، ۱۳۸۸، صص ۱۱۲-۱۱۳). مدیریت ایجاد اسناد در محکمه شرع تا دوره قاجار چنین بود: دستیاران حاکم شرع (قاضی) از جمله کاتب و وظیفه ایجاد اسناد و مدارک مرتبط با گردش کار امور حقوقی و قضایی را انجام می‌دادند.^۳ دانش مدیریت اسناد در کتب «الشروط و الصکوک» (در علوم معاملات، عقد و احکام) (غفرانی، ۱۳۸۷، صص ۲۵۴-۲۵۵) بحث می‌شد.^۴ بخشی از سوابق بایگانی محکمه‌ها «محضرها»، صورت جلسه دادرسی بود که چهار بخش داشت: ۱. نام و عنوان دعوی، نام خواهان، نام خوانده؛ ۲. پاسخ خوانده (اقرار و انکار خوانده)؛ ۳. گواهی گواه یا گواهان؛ ۴. تاریخ (سال و ماه و روز) دادرسی و گواهی دادن گواهان. چون حکم قاضی بر بخش‌های چهارگانه محضر افزوده می‌شد سبجل، سجلات (دفتر یا کتاب قاضی، دادنامه) (ساکت، ۱۳۶۵، صص ۱۸۹-۱۹۰) نامیده می‌شد. سبجل شش بخش داشت: ۱. سرآغاز، (گواهی قاضی بر مطالب مندرج در سبجل)؛ ۲. بخش‌های چهارگانه محضر؛ ۳. مهلت قاضی که برای اقامه دلیل و سند به خوانده برای دفاع از خود می‌دهد؛ ۴. دادرسی به سود کسی که گواهی به سود او بود و حکم برضد کسی که گواهی به زیان او بود و واداشتن خوانده به اجرای حکم؛ ۵. گواهی دادن قاضی به آنچه خود دادرسی کرده بود؛ ۶. تاریخ دادرسی و زمان اجرای حکم. نسخه‌ای از دادنامه (سبجل) به خواهان یا برنده دعوی داده می‌شد و نسخه‌ای دیگر در محکمه بایگانی می‌شد (ساکت، ۱۳۶۵، صص ۱۹۰).

نگارش صورت جلسه دادرسی، اظهارات طرفین دعوی و گواهی گواهان، وظیفه دبیر (کاتب القاضی، کاتب الحکم، منشی دادگاه) بود که باید دارای ویژگی‌های زیر می‌بود: عدل، عقل، اسلام و از نظر برخی هم دارابودن شرط فقاهت تا بر جریان دادرسی، درک محتوای مباحث و در نهایت ثبت دقیق ماوقع (نخجوانی، ۱۳۹۵، ج ۲، صص ۶۱۰-۶۱۱؛ ساکت، ۱۳۶۵، صص ۱۹۰-۱۹۱) توانا باشد.^۵ این تشکیلات در کلیات خود تا دوره قاجار تداوم داشت.

سابقه دادرسی، در بایگانی محکمه شرع ضبط می‌شد. به‌طور معمول چون اسناد خصوصی درست حفظ نمی‌شد و عوامل آسیب‌رسان محیطی و انسانی موجب تخریب آن‌ها می‌شد، ناگزیر به تجدید و تأیید اسناد صادره در محکمه شرع نیاز بود و این کار با رجوع

۱. برای آگاهی از صلاحیت‌های قاضی، رک: ماوردی، ۱۳۸۳، صص ۱۴۹، ۱۵۰-۱۵۱؛ ابن‌خلدون، ۱۳۴۲، ج ۱، صص ۴۲۵-۴۲۶.
۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدِينِ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْب كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ...» (قرآن کریم، بقره، ۲۸۲).
۳. برای ملاحظه وظایف اعضای محکمه، رک: شاخت، ۱۳۸۸، صص ۲۴۶.
۴. با تأسیس دیوان‌خانه عدلیه اعظم در سال ۱۳۷۹ ق دستورالعمل‌های مربوط به ثبت اسناد و مدارک ابلاغ شد و استقرار «اداره دفترخانه عمومی» در آن وزارت، این روال‌ها را تکامل داد.
۵. نوشته‌ای به نام محضر بود که قاضی بر آن حکمش را می‌افزود.
۶. برای آگاهی از وظایف دیگر کارکنان محکمه‌ها، مانند بخشگر، خازن دیوان‌الحکم (بایگان)، امین‌الحکم یا امین‌القاضی، مدیر ترکه (وصی قاضی)، اصحاب‌المسائل، عدول، و حاجب (دربان) (رک: ساکت، ۱۳۶۵، صص ۱۹۱-۱۹۹؛ نخجوانی، ۱۳۹۵، ج ۲، صص ۵۸۱-۵۹۳، ۶۱۰-۶۱۲؛ مصاحب، ۱۳۵۶، ج ۲، صص ۱۹۹۸).

به بایگانی محکمه انجام می شد.

چون بایگانی محاکم معمولاً در منزل حاکم شرع بوده‌اند و به‌ندرت این بایگانی‌ها در مساجد و اماکن پایدار نگاه‌داری می‌شده‌اند، تقریباً به‌جز شمار بسیار اندک،^۱ بیشتر این بایگانی‌ها از بین رفته‌اند. این اندک قباله‌ها و اسناد باقی‌مانده از محاکم شرع هم که در مراکز آرشیوی نگاه‌داری می‌شوند، اسنادی‌اند که در پایان دادرسی به طرفین دعوی تسلیم می‌شده‌اند؛ درحالی‌که بایگانی‌های محاکم شرع، گستره‌ای بسیار متنوع از اسناد و مدارک حقوقی و قضایی را دربر داشته‌اند.

مراجعه به محکمه شرع بخشی مهم از زندگی اجتماعی بود؛ از جمله: کارهای مربوط به ازدواج و طلاق، کسب و کار، معاملات، عبادات، قرض و اجاره، اجرای حدود شرعی، جرائم و قتل، قسامه، فوت و ارث و وصیت، اوقاف و... موضوعات ثبت‌شده در بایگانی محکمه شرع، بازتاب مناسبات زندگی روزمره است. این‌گونه مجموعه‌های اسنادی در بررسی ساختار و عملکرد دستگاه قضا در انتهای دوره سنت و آغاز مدرن‌سازی این نهاد -وضعیت «دوگانگی و تعارض بین قوانین و ساختار» (آل‌داوود، بهار-تابستان ۱۳۸۳، ص ۸۹) ناشی از تداخل نظام کهن حقوقی و قضایی و رسوخ روش‌ها و نظریات حقوقی جدید (آبادیان، زمستان ۱۳۸۹، صص ۱۲-۱۳) - بسیار ارزشمند است. این دیدگاه درباره تاریخ عدلیه برای بسیاری از بحث‌های بنیادین امروزی راهگشاست. **کتابچه ثبت قبالات**، حاوی اسناد محکمه شرع است که طبق روال تشریح‌شده فوق ایجاد شده‌اند و برای طی مراحل بعدی دادرسی به دیوان عدلیه اعظم ارجاع شده‌اند.

۷. محکمه عدلیه: از دیوان عدالت تا دیوان عدلیه اعظم

برای درک نظام گردش امور بین دیوان عرف و محکمه شرع تصویری اجمالی از موقعیت تاریخی دیوان عدلیه دوره قاجار به‌دست می‌دهیم. سوابق اداری دیوان عدلیه بسیار ناقص است (آدمیت، ۱۳۸۵، ص ۱۷۳). مدیریت حوزه قضایی عرفی تا دوره قاجار در اختیار حکومت و مقاماتی چون دیوان‌ببگی^۲ بود. در دوره فتح‌علی‌شاه اقداماتی برای سامان‌دهی «دیوان عدالت» آغاز شد؛ اقداماتی که به‌نام «تأسیس» تعبیر می‌شود. در ۱۲۴۶ق/۱۸۳۰م دیوان مرکزی (محکمه عدالت) با چهار عضو تشکیل شد که یکی از آن‌ها روحانی بود؛ ولی دیری نپایید (فلور و بنانی، ۱۳۸۸، صص ۳۳-۳۴؛ طیبی، ۱۳۸۸، صص ۳۶۴-۳۶۵). در دوره محمدشاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۶۴ق/۱۸۳۴-۱۸۴۸م) اعضای دیوان عدالت عبارت بودند از: صدر دیوان، امیر دیوان، امیر نجبا، امیر لشکر، مستوفی دیوان، ناظم عدالت، و منشی‌باشی (فلور و بنانی، ۱۳۸۸، ص ۳۴). در دوره میرزاتقی‌خان امیرکبیر فرایند دادرسی در محاکم شرع و عرف، با افزایش نظارت

۱. ز آن میان دو مجموعه مربوط به محاکم شهر تهران در قالب طرح پژوهشی، بررسی و تحلیل شده‌است: (یوسفی فر، شهرام، «بازتاب تاریخ اجتماعی شهر تهران در اسناد محکمه شرع سیدمحمد طباطبایی». پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تاریخ پایان طرح ۱۳۹۴)، نیز (یوسفی فر، شهرام، «بازتاب تاریخ اجتماعی شهر تهران در اسناد محکمه شرع سیدصادق طباطبایی». پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تاریخ پایان طرح ۱۳۹۰).

۲. برای ملاحظه بررسی تاریخی این روند ر.ک:

Ando and Savory, 1995, pp 439-440; floor, 2000, pp 11-12



حکومت و تقویت اختیارات «دیوان‌خانه بزرگ»، تحت نظارت مؤثر حکومت قرار گرفت. اقدامات امیرکبیر در برنامه «قانون و عدالت» چنین بود: اصلاح برخی از روال‌ها در گردش امور محکمه شرع؛ سامان‌دهی امور دیوان‌خانه عدالت؛ توجه به دادخواهی مردم علیه دولت؛ آیین جدید دادخواهی اقلیت‌های مذهبی؛ و منع شکنجه متهم و مجرم (آدمیت، ۱۳۶۲، صص ۳۰۸-۳۱۶). در این دوره صلاحیت «دیوان‌خانه عدالت» رسیدگی به این امور بود: دعاوی عرفی بین افراد؛ مرافعه بین افراد و دولت (مانند اختلافات مالیاتی)؛ دعاوی بین اتباع بیگانه در خدمت دولت و دعاوی آنان با ایرانیان (آدمیت، ۱۳۶۲، صص ۳۱۰-۳۱۱)؛ و رسیدگی به جرائم کیفری (فلور و بنانی، ۱۳۸۸، ص ۳۷). به نظر می‌رسد که برخی از این صلاحیت‌ها (مانند دعاوی اقلیت‌ها) از محکمه شرع منفک شده‌اند و به دیوان‌خانه عرف الحاق شده‌اند.^۱ گردش کار دعاوی چنین بود: تمام دعاوی می‌توانست در «دیوان‌خانه عدالت» (آدمیت، ۱۳۶۲، صص ۳۰۷-۳۱۱) طرح شود؛ ولی اگر ماهیت شرعی داشت به محکمه شرع ارجاع می‌شد. تجربه تفوق و نظارت یک محکمه (مثل محکمه شیخ عبدالرحیم بروجردی، و محکمه شیخ عبدالحسین تهرانی) بر سایر محاکم شرع (آدمیت، ۱۳۸۵، صص ۳۰۸-۳۱۰؛ فلور، ۱۳۸۸، صص ۳۵-۳۶) نیز در این دوره آزموده شد. پس از این دوره ساختار و رویه‌های بناشده تداوم یافت و شماری پیشنهاد هم برای اصلاحات حقوقی و قضایی عرضه شد که به دلایل متفاوت (فلور و بنانی، ۱۳۸۸، صص ۳۷-۳۹) به مرحله اجرا نرسید.

فرمان ناصرالدین شاه برای تأسیس پنج وزارت‌خانه و از جمله وزارت عدلیه (دیوان عدلیه اعظم) در سال ۱۲۷۵ ق/ ۱۸۵۷ م مرحله‌ای جدید در نوسازی ساختار و عملکرد این دیوان بود. با ابلاغ کتابچه «دستورالعمل تعیین وظایف و گردش کار» (روزنامه وقایع اتفاقیه، ش ۴۰۷، ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۲۷۵ ق، صص ۳-۴) طرز عمل محکمه عرف و روابط آن با محکمه شرع تعریف شد.^۲ دیوان‌بینگی در هر ایالت ناظر بر عملکرد محاکم عرف و شرع بود و گزارش منظم سالانه، شامل «صورت احکام یک‌ساله شرعی و عرفیه و مرافعات و فتاوی حکام شرع» در جریده‌ای ثبت و برای وزیر عدلیه ارسال می‌شد (الگار، ۱۳۵۶، صص ۲۲۲-۲۲۳). تأکید بر حضور نماینده‌ای از دیوان در تمام جلسات محاکم شرع در حکم گسترش قلمرو عرف در برابر شرع بود (الگار، ۱۳۵۶، ص ۲۲۳) و از این رو با مخالفت عالمان بانفوذ و حکام محلی روبه‌رو شد؛ و این مخالفت موجب تضعیف دستورالعمل (فلور و بنانی، ۱۳۸۸، ص ۳۹) شد. در ادامه شماری فرمان در رجب ۱۲۷۸ ق و ۱۲۷۹ ق برای تقویت نقش دیوان عدالت صادر شد؛ از جمله فرمان تشکیل مجدد دیوان عدالت و تهدید به مجازات کم‌توجهی به احکام دیوان عدلیه (فلور و بنانی، ۱۳۸۸، ص ۴۰). در فرمان دیگری هم در ۲۶ جمادى الثانی ۱۲۷۹ ق/ ۱۸۶۲ م دستورالعمل دیوان‌خانه عدلیه اعظم، برای انتظام بیشتر گردش امور «دیوان‌خانه عدالت» و

۱. برای ملاحظه بررسی فرمان ۱۲۶۸ ق شاه در این باره رک: مهدوی دامغانی، ۱۳۸۳، ص ۹۰.

۲. در این دستورالعمل وظایف دیوان‌بینگان، نمایندگان امین عدلیه، و حکام و امنای شرع در ولایات تدوین و ابلاغ شد. در این دستورالعمل این نکات تنظیم شده بود: نحوه ارجاع امور عرفی و شرعی در محاکم مربوط؛ نحوه ارجاع امور شرعی به محکمه شرع و اخذ التزام از طرفین برای پذیرش نتیجه دادرسی در محکمه شرع؛ تعیین دفتر معتبر در دیوان‌خانه برای ثبت هرروزه دعاوی و احکام صادره؛ ارسال ثبت کل سالانه به دیوان‌خانه عدلیه اعظم؛ نحوه تأیید مستندات در محکمه شرع و ثبت در دیوان‌خانه؛ و موارد جزئی دیگر (روزنامه وقایع اتفاقیه، ش ۴۰۷، ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۲۷۵ ق، صص ۴۰-۴۲).

صلاحیت‌های آن، در دو فصل: کتابچه تکلیف وزارت‌خانه‌ها با دیوان عدلیه (فصل اول) و تکلیف دیوان عدلیه با حکام ممالک (طهران و حکام ولایات) (فصل دوم) ابلاغ شد.^۱ باین‌که شاه گزارش‌های منظمی از دیوان دریافت می‌کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۴۲۷)، باز هم عملکرد دیوان -به‌ویژه در ایالات- رضایت‌بخش نبود و لازم بود پیوسته تأکید شود که احکام دیوان باید در کشور اجرا شود؛ از جمله تأکید شد که هر مدرک صادره در معاملات، باید در دیوان عدلیه ثبت شود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۲، صص ۱۴۲۷-۱۴۲۸)؛ نیز دعاوی باید در دفتری در دیوان ثبت شود تا مانع از تکرار آن‌ها شود.

با انتصاب میرزا حسین خان (۲۹ رمضان ۱۲۸۷ق) به «وزارت عدلیه اعظم کل ممالک ایران» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۶۴۱) سامان‌دهی عدلیه برای انطباق بیشتر با ساختار، آموزه‌ها و عملکرد نهادهای مشابه در ملل متمدنی (آدمیت، ۱۳۸۵، صص ۱۲۷-۱۵۸)^۲ انجام شد. اقدام اساسی، ابلاغ «تشکیلات عدلیه» (۱۲۸۸ق/۱۸۷۱م) با شش مجلس بود که ابتدا چهار مجلس بود و سپس دو مجلس دیگر به آن افزوده شد: مجلس تحقیق [دعاوی]؛ مجلس [تنظیم] قوانین؛ مجلس جنایات؛ مجلس اجرا [احکام] (وقایع عدلیه، نمره ۱، سلخ ذی‌حجه ۱۲۸۷ق، صص ۲-۳)؛ مجلس تجارت و مجلس املاک (وقایع عدلیه، نمره ۲، س ۲، محرم الحرام ۱۲۸۸ق، ص ۱).^۳

در دستورنامه «تکالیف مشترکه مجالس وزارت عدلیه اعظم» (وقایع عدلیه، نمره ۲، محرم الحرام ۱۲۸۸ق، ص ۱) گردش کار محاکم شش‌گانه تعیین شد و در آن بر حقوق متهمان، منع دخالت حکام در روند دادرسی، و انحصار رسیدگی‌ها در وزارت عدلیه تأکید شد. نکات مهم برای بحث حاضر در تکالیف مشترک مجالس وزارت عدلیه (۲۹ تکلیف) عبارت‌اند از: بند سوم: «عرایض ضبط مجلس [می‌شود] و پس از رفع مخاصمه، مانند فهرست ثبت دفتر مجلس مخصوص، همان عرض می‌شود؛ بند ششم: «استشهادنامه بی حضور شهود در این مجالس معتبر نیست، مگر آن‌که مهر و خط شهود را اجزای مجلس بشناسند یا آن‌که از جانب علمای عظام زادالله امثالهم حکم شرعی برطبق آن، صادر شده باشد؛ بند ۷: «سواد هیچ حکمی در این مجالس معتبر نیست؛» بند ۸: «احکام شرعی شریفه که از جانب مجتهدین عظام به این مجلس می‌رسد پس از اجرا صورت آن‌ها ثبت دفتر خواهد شد» (وقایع عدلیه اعظم، نمره ۲، محرم الحرام ۱۲۸۸ق، ص ۱). این مقررات حاکم بر روال تدوین کتابچه ثبت قبالبجات است؛ بند ۱۰: «اجزاء مجالس در محاکم مأذون به الزام مصالحه نیستند و اگر پیش از عرض به وزارت عدلیه اعظم نزد حکام شرع انور مصالحه واقع شده باشد، در این صورت آن کار را تمام‌شده منظور خواهند داشت». در تکالیف خاص مجلس جنایات در ربط با محاکم شرع هم این چند بند وجود دارد: بند ۱۴: «اجزاء مجلس پس از تفریق حق از باطل

۱. متن کتابچه در روزنامه دولت عدلیه ایران، ش ۱۷، ۵۳۵، ۱۷ رجب ۱۲۷۹ق، صص ۶۰۳ و بازنشر در اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳، صص ۱۴۲۳-۱۴۲۷؛ محمود فرهاد، ۱۳۲۵، صص ۴۲-۴۸.
۲. برای ملاحظه مرور آراء مختلف در این موضوع، رک: جوادی یگانه و جوادی، ۱۳۹۲، صص ۲۵۳-۲۵۹؛ و بررسی رؤس اصلی اقدامات او: جوادی یگانه و جوادی، ۱۳۹۲، صص ۲۴۲-۲۴۳.
۳. در سال ۱۳۰۰ق این ترتیب چنین بود: مجلس مخصوص وزیر عدلیه و اجزای آن: مجلس صدر دیوان‌خانه (امور ملکی و شرعی)؛ مجلس تحقیق و دعاوی نفوذ؛ مجلس تحقیقات؛ مجلس جنایات و تجارت؛ مجلس تحقیق مجلس اجرا (روزنامه ایران، نمره ۵۱۳، سه‌شنبه ۱۷ جمادی‌الاول، ۱۳۰۰، صص ۳-۲).



خلاصه مطلب را نوشته خدمت وزیر عدلیه انفاذ خواهند نمود». بند ۱۷: «تعیین دیه برطبق احکام مجتهدین عظام و مطالبه آن از جنایت‌رساننده از روی مدلول همان احکام خواهد شد» (وقایع عدلیه اعظم، نمره ۲، محرم الحرام ۱۲۸۸، ص ۱).

در بخش تکالیف مشترکه «مواردی درباب گردش امور دیوان با عملکرد محاکم شرع» وجود داشت (بند ۳، ۶، ۷، ۸، ۱۰). در بخش تکالیف مخصوصه مجلس جنایات بند ۱۷ و در بخش «شروط گزارش نامه که از مجالس خدمت وزیر عدلیه اعظم انفاذ می‌شود» دستورالعمل تدوین کتابچه ثبت قبالبجات درج شده بود (وقایع عدلیه اعظم، نمره ۲، محرم الحرام ۱۲۸۸ ق، ص ۱). در این دستورالعمل «تکالیف مشترک مجالس وزارت عدلیه اعظم»، تکالیف مخصوصه مجالس جنایات، تکالیف طرفین دعوی، تکالیف کسانی که برای شهادت دادن یا تحقیق امری به مجلس احضار می‌شدند، شروط تصدیق‌نامه، و شروط گزارش نامه مجالس که خدمت وزیر اعظم انفاذ می‌شد (وقایع عدلیه اعظم، نمره ۲، محرم الحرام ۱۲۸۸ ق، ص ۲) تعیین شد و برای چند دهه الگوی گردش امور اداری، اجرایی و قضایی محاکم را تعیین کرد. آیین‌نامه اجرایی قانون (کتابچه دستورالعمل وظایف عدلیه) ۱۱۹ ماده داشت (ربیع‌الثانی ۱۲۸۸ ق/ ۱۸۷۱ م) و «کامل‌ترین قانون عدلیه ایران پیش از دوره مشروطیت» (آدمیت، ۱۳۸۵، ص ۱۷۶) بود. فرازهای مهم این آیین‌نامه چنین بود:

تبیین بیشتر قواعد حاکم بر روند قضاوت؛ منع دخالت دستگاه مجریه در امر قضا؛ یکسان کردن اصول محاکمات و ترکیب محاکم در ولایات؛ حصر رسیدگی به امور جزایی در عدلیه؛ سازمان‌دهی ساختار و تشکیلات اداری کارآمد برای دیوان عدلیه از طریق ایجاد مجالس شش‌گانه؛ ترغیب مراجعه اصحاب دعوی در طرح امور حقوقی (غیرجزایی) در دیوان عدلیه، با هدف تمیز بیشتر روابط محاکم شرع و دیوان عدلیه (آدمیت، ۱۳۸۵، صص ۱۷۷-۱۷۸).

در سال‌های بعد نیز شماری فرمان برای تأکید بر اصول مستقر در تنظیمات حقوقی و قضایی (فرهاد، ۱۳۲۵، صص ۴۳-۴۴؛ طیبی، ۱۳۸۸، صص ۴۱۸-۴۱۹)، زدودن آسیب‌های ساختاری و عملکردی عدلیه، و تنظیمات دقیق‌تر بین محاکم شرع و عدلیه صادر شد؛ ولی تغییرات سیاسی و اداری این گونه تلاش‌ها را محدود کرد. تحلیل حوزه حقوقی و قضایی در اشاره به علل مخالفت با سپه‌سالار معمولاً مغفول است^۲ و تنها حامد الگار به درگیری او با عالمان دین (الگار، ۱۳۵۶، صص ۲۳۸-۲۳۹) اشاره کرده است.

در مواد ۲۹ و ۳۰ «کتابچه مجلس تنظیمات حسنه» (ابلاغ در ۱۲۹۱ ق) تکالیفِ مرافعات شرعی درج شده و تصریح شده است که همه اختلافات شرعی و عرفی و املاک به مجلس تنظیمات ارجاع داده شود (دامغانی، ۱۳۵۷، ص ۱۵۱).

۱. نسخه متفاوت‌تری از آیین‌نامه «ترتیب مجالس وزارت عدالت عظمی» در ۴ مجلس، در آرشیو ملی ایران موجود است (ساکها، ۲۹۶۰۰۴۴۲۶).
۲. ر.ک: جوادی یگانه و جوادی، ۱۳۹۲، صص ۳۱۱-۳۷۱.

سرگذشت عدلیه در آستانه مشروطیت با خواست مردم معترض به حکومت قاجارها برای تأسیس عدالت‌خانه، گره خورد. اگرچه در سال‌های متمادی اقداماتی در وضع و رعایت اصول، روندهای قضایی و حقوقی و سامان‌دهی بهتر امور محاکم عرفی و شرعی انجام شد؛ از جمله: تشکیل مجمع تدوین «قانون جدید مطابق قواعد شریعت» (در ۱۲۹۴ق) (فلور و بنانی، ۱۳۸۸، ص ۴۶)؛ تثبیت رویه مستندسازی اسناد رسمی با الصاق تمبر و ثبت دولتی (طیبی، ۱۳۸۸، ص ۴۲۱)؛ و... در دوره وزارت عدلیه میرزا علی خان امین‌الدوله، اقدامات و طرح‌های اصلاحی (امین، ۱۳۸۲، صص ۴۳۵ به بعد؛ طیبی، ۱۳۸۸، صص ۴۲۰-۴۲۱) پی‌گیری شد. تلاش‌ها برای اصلاح و توانمندسازی تشکیلات عدلیه هم در نهایت نتوانست این نهاد را در برابر مطالبات عدالت اجتماعی و حقوقی توانا و روزآمد و پاسخگو کند (کسروی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۷۳). در پی ناآرامی‌های فزاینده در سال ۱۳۲۳-۱۳۲۴ق/۱۹۰۵-۱۹۰۶م، و طرح «مقاصد آقایان» که «... برای رسیدگی به عرایض کلیه رعایا و مظلومین... ترتیبی در امر عدالت‌خانه دولتی داده شود که رفع ظلم از مظلوم حقا و عدلا به عمل آید و در اجرای عدالت ملاحظه احدی نشود» (کسروی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۷۱)، فرمان تأسیس «عدالت‌خانه» به منظور «اجرای احکام شرع مطاع و آسایش رعیت... اجرای... قانون معدلت اسلامی که عبارت از تعیین حدود و احکام شریعت مطهره... در تمام ممالک محروسه ایران...» (کسروی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۷۱-۷۲) صادر و نظامنامه‌ای برای آن تدوین شد (جمادی‌الاول ۱۳۲۴ق/ ژوئیه ۱۹۰۶م) (طیبی، ۱۳۸۸، ص ۴۳۳).^۲ مسیر رخدادهای بعدی نشان داد که این تلاش‌ها در برابر خواست اجتماعی تحقق عدل و قانون مبتنی بر آموزه‌های حقوقی و فلسفه‌های جدید اجتماعی، قانع‌کننده نیست.

بررسی فشرده تأسیس، تحول ساختار و عملکرد «دیوان‌خانه عدالت» و «دیوان عدلیه اعظم» (تشکیلات متولی تولید اسناد موجود در دو کتابچه مورد مطالعه در این پژوهش) امکان فهم گسترده و روشمند اسناد مورد بحث را فراهم می‌کند.^۳

۸. گردش امور حقوقی و قضایی بین دیوان عدلیه و محاکم شرع تهران

اساس بررسی روابط محاکم عرف و شرع در آستانه مشروطیت، دو مجموعه بایگانی تشکیلات عدلیه است: «کتابچه ثبت قبالات دیوان‌خانه عدلیه اعظم از بابت هذه السنه لوی‌نیل ۱۳۲۲ قمری» (که از این پس در این مقاله کتابچه ثبت قبالات نامیده می‌شود) و «کتابچه ثبت التزامات دیوان‌خانه عدلیه اعظم از بابت هذه السنه لوی‌نیل ۱۳۲۲» (که از این پس در این مقاله کتابچه ثبت التزامات نامیده می‌شود). این دو کتابچه بخشی از بایگانی مجالس دیوان عدلیه اعظم است و از بین بایگانی اداری آن تشکیلات، فقط همین

۱. برای بررسی دیگر موارد، رک: (فلور و بنانی، ۱۳۸۸، صص ۴۶-۴۷؛ امین، ۱۳۸۲، صص ۴۳۰ به بعد).

۲. برای ملاحظه برداشت‌های متفاوت در باب عدالت‌خانه، ن.ک: (ملایی توانی، بهار-تابستان ۱۳۹۱، صص ۱۱۳-۱۳۰؛ آبادیان، زمستان ۱۳۸۹، صص ۱۷-۱۸).

۳. برای بررسی مفصل تاریخ تحولات نظام حقوقی و قضایی ایران در دوره قاجار، رک: محمد طیبی (۱۳۸۸) و برای دوره رضاشاه رک: اثر ارزنده دکتر حسن زندیه (۱۳۹۲). در مراتب بعدی هم اثر دکتر حسن امین (۱۳۸۱) تاریخ حقوق ایران قابل توجه است.



مقدار باقی مانده است. چون هر کدام از این دو کتابچه مزبور، به یک مجلس عدلیه تعلق دارد، به طور جداگانه بررسی می شود.

۱.۸. بایگانی های مجالس دیوان عدلیه

۱.۱.۸. کتابچه ثبت قبالات در دیوان عدلیه اعظم

کتابچه ثبت قبالات شامل ۱۱۰ خلاصه (در ۱۰۸ برگ)، از اصل اسنادی است که به عنوان مستندات دعاوی در دیوان عدلیه و مجالس مختلف آن طرح شده است. این کتابچه در بردارنده سوابق گردش یک سال امور در اداره (مجلس) مربوط (از ۱۹ محرم ۱۳۲۲ الی ۲۲ ذی حجه ۱۳۲۲ ق) است و شامل اطلاعاتی منسجم درباره شمار مراجعات، ماهیت حقوقی دعاوی طرح شده در دیوان عدلیه و نیز فرایند گردش امور اسنادی و قضایی در تشکیلات عدلیه است. درباره ارزش تاریخی این مجموعه باید اشاره کرد که زمان تولید این اسناد مقارن است با تحولات دهه ۱۳۲۰ ق و وقوع نهضت مشروطیت؛ زمانی که نهاد حقوقی و قضایی کشور دستخوش دگرگونی های اساسی^۱ شد. این مجموعه اسناد شناخت نظام کهن قضایی پیش از مشروطه و دگرگونی های ساختاری و عملکردی دوران گذار در آن را آسان می کند.

۲.۸. شیوه تولید اسناد دیوانی در عدلیه

بر اساس اطلاعات کتابچه ها، فرایند گردش امور اداری مکاتبات دیوانی را چنین می توان بازسازی کرد:

الف. با طرح دعوی در دیوان، مستندات مدعیات به دیوان عدلیه برای تعیین اصالت و تهیه خلاصه ای از آن ارائه می شد؛ از جمله این که طبق روال مورداشاره در بحث قبل، اصل قبالات صادره در محکمه شرع باید برای ثبت ارائه می شد.

ب. سپس اصالت قباله، دست خط و مهر حکام شرع، بررسی و تأیید می شد. کشف جعل و دست کاری اسناد در این مرحله انجام می شد. نحوه فرایند کارشناسی اسناد را محرر عدلیه به شکل خارج نویسی «مهر» و نام افراد، در دو کتابچه مدنظر منعکس کرده است. در کتابچه ها خلاصه قباله ها به دقت تحریر شده است.

ج. مرحله بعد ثبت خلاصه قبالات و مستندات در «کتابچه» بود؛ به این شکل که ارکان چندگانه قباله^۲ استخراج و ثبت می شد. باین که قواعدی مشخص در استخراج ارکان سند و ثبت آن وجود داشته است، به دلایل مختلف ثبت مستندات در کتابچه متنوع است؛ گاه حتی متن کامل قباله هم درج شده است (کتابچه ثبت قبالات، نمره ۳). به طور معمول پس از تأیید

۱. برای ملاحظه این تغییرات، رک: (زندیه، ۱۳۹۲، صص ۸۸ به بعد؛ شهیدی و دیگران، زمستان ۱۳۹۶، صص ۶۶-۸۹).

۲. برای نمونه این ارکان در اسناد حقوقی و قضایی تعیین شده اند: ۱- سرآغاز؛ ۲- نام و عنوان دعوی و نام خواهان و خواننده؛ ۳- پاسخ خواننده؛ ۴- گواهی گواهان؛ ۵- مهلت های داده شده قاضی به خواننده، نحوه واداشتن خواننده به اجرای حکم، گواهی قاضی به ماوقع، تاریخ روز دادرسی (ساکت، ۱۳۶۵، صص ۱۸۹-۱۹۰). در چکیده نویسی سایر اسناد صادره از محاکم شرع نیز اسلوب های مشابهی رعایت شده که در اسناد کتابچه حاضر قابل ملاحظه است. یادآوری می شود که ارکان مدنظر در چکیده نویسی اسناد شرعی براساس موضوع سند تفاوت هایی دارد.

خط حکام شرع، سجع مهر، اسامی و عنوان و لقب شهود و جمله ادای شهادت بر وقوع امر، بازنویسی می‌شد. برای افراد در گذشته، دعا‌های مرسوم برای آمرزش به کار می‌رفت و برای آرزوی بقای افراد عبارت‌های روحی فدا، سَلِّمَهُ اللهُ تَعَالَى، مُدِّظِلُّهُ، دَامَ بَقَائُهُ و... به کار می‌رفت. به نظر می‌رسد که به علت پیروی از رویه‌های ثبت مستندات در کتابچه‌های سوابق امور در طول زمان‌های متمادی تا هنگام تدوین این کتابچه از عنوان «سواد» برای نشان دادن ماهیت اسناد مدنظر استفاده نمی‌شده و به ندرت این اصطلاح روی اسناد درج می‌شده است (کتابچه ثبت قبالات، نمره ۱۱). کاربرد «سواد» برای اسناد مهم همراه قبالة اصلی، که رونوشت (سواد) آن باید در «کتابچه» درج می‌شد، کاربرد داشته است تا سند مُلصق به قبالة را از متن قبالة اصلی در «کتابچه» قابل تشخیص کند. نحوه نگارش متن و حاشیه‌های مربوط در کتابچه، به صورتی است که تشخیص اجزاء مهم و ضروری را برای پی‌گیری و مراجعات بعدی به سادگی ممکن کند؛ از این رو، الگوی درج مطالب در یک صفحه از «کتابچه» گاه بدون نظم و ترتیب و بیشتر با رعایت جدانویسی آشکار و به ویژه برجسته‌بودن «نظریه یا رأی» دیوان عدالت عظمی است.

د) نحوه بررسی، ارزیابی و تأیید مستندات و قبالات در دیوان، براساس ساختار کتابچه‌ها و اطلاعات قابل استخراج از کتابچه ثبت قبالات، چنین بود:

براساس روال مشروح فوق، قبالة‌ها ارزیابی می‌شد و به ترتیب ورود به اداره [مجلس] ذی‌ربط، در دیوان‌خانه در «کتابچه ثبت قبالات» ثبت می‌شد. کتابچه ثبت قبالات از «نمره ۱» شروع شده و تا «نمره ۲۰» به‌طور منظم شماره‌گذاری شده و پس از آن شماره‌گذاری متوقف شده است. با آنکه در بالای برخی از صفحات عنوان «نمره» درج شده است، ولی شماره ترتیب ثبت درج نشده است. به نظر می‌رسد که کاربرد شماره‌گذاری مستندات در کتابچه برای بازیابی سوابق، زیاد اهمیت نداشته است، زیرا ترتیب ورود مستندات و قبالات از روی ترتیب زمانی درج آن‌ها در کتابچه به دست می‌آمده است.

آخرین عملیات در کتابچه ثبت قبالات تأیید مراتب توسط «وزیر دیوان عدلیه» بود؛ به این شکل: «جملات مسطوره متناً و هامشاً صحیح است و در دیوان وزارت جلیله عدلیه اعظم ثبت شد. ۲۲ محرم ۱۳۲۲ محل مهر مبارک حضرت اشرف آقای نظام‌الملک، روحی فدا».

پس از این فرایند «رأی» یا «نظر» عدلیه درباره موضوع دعوی درج می‌شد. از جمله چنین آمده است: «به طوری که جناب مستطاب شریعتمدار آقای سلطان‌العلماء سلمه‌الله تعالی مرقوم فرموده اند صحیح [است] و از همین قرار باید معمول و مجری شود. ۲۵ شهر محرم الحرام ۱۳۲۲، مهر وزارت عدلیه اعظم» (کتابچه ثبت قبالات، نمره ۴). یا «مراتب مسطوره متن به استحضار دیوان‌خانه عدلیه اعظم گذشته است. چنانچه مشهدی عباس در رسانیدن قسط



مزبور تأخیر نماید، برعهده یوزباشی ابوالقاسم مستخدم دارالطباعة است که مهم‌سازی نماید.
۲۲ شهر محرم ۱۳۲۲) «کتابچه ثبت قبالات، نمره ۵».

در مواردی روی قباله‌ها «اقرار و اعتراف» فرد ثبت می‌شد: «بر التزام و مراتب مسطوره در
هامش کربلایی قربان در وزارت عدلیه اقرار و اعتراف نمود. محل مهر مبارک بندگان حضرت
مستطاب آقا، روحی فدا» «کتابچه ثبت قبالات، نمره ۶». گاه لزوم اخذ «قرار و اعتراف» از
فرد در عدلیه در کتابچه درج می‌شد (کتابچه ثبت قبالات، نمره ۱۹). در این موارد فرد به
«صحت معامله متن» اقرار و تعهد می‌کرد: «از قرار التزام جداگانه ملتزم گردید از حال تحریر
لغایت ۴۵ روز دیگر تتمه وجه ملزومی خود را به میرزاغلام علی عاید دارد...» (کتابچه ثبت
قبالات، نمره ۱۹).

برخی از مدارک، مستندات آراء و احکام و قباله‌هایی بود که از محضر عالمان دین
برای اطلاع یا اجرا به دیوان عدلیه اعظم ارجاع می‌شد. در این موارد موضوع در دیوان‌خانه
عدلیه اعظم بررسی و تصمیم‌گیری می‌شد و گاه ختم یا قرار ختم کار صادر می‌شد و
پس از یادداشت وزیر مانند «مراتب مسطوره متن صحیح است. همین‌طور که در متن نوشته
شده است در دیوان عدالت کبری ختم شد. ۲۳ شهر صفر المظفر ۱۳۲۲» در کتابچه ثبت می‌شد
(کتابچه ثبت قبالات، نمره ۴۰). برخی موضوعات مربوط به ختم دعوی و مصالحه قبلی
بود که موعد مقرر آن سررسید شده بود. در این موارد فرد/افراد ذی‌نفع در مجلس مربوط در
دیوان‌خانه حاضر می‌شدند و قرار و التزام اجرای تعهدات یا ختم عمل و دریافت حق و حقوق
خود را می‌گذاشتند (کتابچه ثبت قبالات، نمره ۴۱).

دیگر موارد ثبت، مربوط به امور مراجعه‌شده به دیوان‌خانه عدلیه بود که پس از رسیدگی
و صدور رأی و ختم موضوع، گزارش آن در کتابچه ثبت قبالات ثبت می‌شد: دعاوی مالی؛
اختلافات بر سر قراردادهای مراجعه‌نکردن به محضر شرع تعیین شده؛ تنظیم مجدد قرارهایی
که اسنادشان از بین رفته بود؛ رسیدگی به اختلافات ناشی از رسیدگی به موضوع در محاکم
شرع و موارد مشابه. در این موارد گاه چنین تأیید می‌شد: «به‌طوری که جناب جلالت‌مآب
معمدالملک و اجزای دیوان‌خانه عدلیه اعظم رسیدگی نموده و تصدیق داده‌اند، صحیح است.
باید به موقع اجرا گذاشته شود. ربیع‌الاول ۱۳۲۲. محل مهر، حضرت مستطاب اجل امجد
اکرم افخم اعظم آقای نظام‌الملک وزیر عدلیه اعظم دامت شوکت» (کتابچه ثبت قبالات،
نمره ۴۲).

۳.۸. کتابچه ثبت التزامات افراد در دیوان عدلیه

کتابچه دوم این مجموعه «کتابچه ثبت التزامات دیوان خانه عدلیه اعظم، از بابت هذه السنه لوی نیل ۱۳۲۲، شهر محرم الحرام» است که ۵۷ برگ شامل ۱۳۶ خلاصه «التزام نامه» دارد. ترتیب و نظم ثبت دفتری این کتابچه از کتابچه ثبت قبایجات سامان یافته تر است و تا آخرین مورد، نمره گذاری دارد. در حاشیه خلاصه التزامات، معمولاً یادداشتی اضافه و خارج از متن وجود ندارد و مواردی معدود مربوط به آنهایی است که بعد از ثبت التزام نامه قرار داده شده و لازم بوده است تا در کتابچه هم ثبت شود.

الگوی گردش کار اداری بین مجالس عدلیه در سال ۱۳۲۲ق، بر اساس اطلاعات موجود در گزارش دعاوی مطرح در دیوان عدالت چنین بود که به دلیل ماهیت موضوع دعوی یا سوابق قبلی آن، باید طبق مقررات به محکمه شرع ارجاع می شد تا وفق قواعد شرع بررسی به عمل می آمد. روش انتخاب محکمه متنوع بود. راه اول چنین بود: اگر طرفین دعوی درباره مراجعه به یک محکمه توافق داشتند، از طرفین التزام گرفته می شد تا به محضر مزبور مراجعه و طرح دعوی کنند و «به هر نحو حکم شرعی قطعی حضوری از محضر محترم جناب مستطاب معظم له بر حقانیت احدی الطرفین صادر آید، طرفین تخلف نوزند» (کتابچه ثبت التزامات، نمره ۱). حکم محکمه شرع باید «مدلول آن در وزارت عدلیه به موقع اجری گذاشته شده، طرفین تخلف نوزند» (کتابچه ثبت التزامات، نمره ۲). چنانچه طرفین بر سر انتخاب حاکم شرع توافق نمی کردند، به ناگزیر انتخاب آن به قرعه ارجاع می شد (کتابچه ثبت التزامات، نمره ۴).

گاه در التزام نامه موضوع بررسی در محضر شرع ذکر می شد (مثال طرح قسم). گاه از فرد تعهد گرفته می شد که اگر در محضر تعیین شده حضور نیابد یا در محضر دیگری طرح مرافعه کند، تمام «مدعی به» او ساقط است. یا اگر فرد از ایراد قسم یا رد قسم اجتناب کرد، بدون عذر از عهده تمام «مدعی به» شخص مقابل برآید (کتابچه ثبت التزامات، نمره ۱۲۵). موضوع دعوی و گردش کار مربوط طی نامه ای به محکمه منتخب اعلام می شد و پس از طی فرایند دادرسی، رأی حاکم شرع به صورت مکتوب به دیوان اعلام و سپس اجرا می شد. مستندات موجود در کتابچه ثبت قبایجات تأییدی است بر این که آراء صادره از محکمه شرع در دیوان عدلیه پذیرفته می شده است؛ چون موردی دال بر تشکیک، رد یا اعاده دادرسی در آراء مزبور، در دیوان عدلیه ملاحظه نشد. این موضوع خلاف تصور شایع درباره اختیار تجدیدنظر دیوان عدلیه در آراء محاکم شرع است. با توجه به التزامی که طرفین می دادند، حق اعتراض و دادخواهی بعدی از آنها سلب می شد و حکم صادره قابل فرجام خواهی نبود. نوع دیگری از التزام نامه های کتابچه ثبت التزامات، به قرارهای طرفین در دیوان عدلیه اعظم



مربوط می‌شود و موضوعات متنوعی را دربر دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ارجاع حل و فصل دعوی بر سر یک گاری به تحقیق محلی مطلعان (کتابچه ثبت التزامات، نمره ۱۷ و ۲۰)؛ پرداخت قیمت قالی در موعد مقرر و تعیین جریمه دیرکرد به دیوان؛ پرداخت مال‌الاجاره خانه و تخلیه آن (کتابچه ثبت التزامات، نمره ۲۸)؛ واگذاری آب کشاورزی (کتابچه ثبت التزامات، نمره ۵۹)؛ پذیرش نظر استاد معمار (کتابچه ثبت التزامات، نمره ۶۰)؛ خارج نشدن از شهر تا هنگام اتمام بررسی شکایات رعایای دماوند از فرد (کتابچه ثبت التزامات، نمره ۶۲)؛ و مورد دیگر، نمره ۸۷)؛ پرداخت بدهی (کتابچه ثبت التزامات، نمره ۹۰)؛ پذیرش نتیجه بررسی کارشناسی موضوع (کتابچه ثبت التزامات، نمره ۱۰۰)؛ حاضر کردن افراد متهم از روستا در مدت معین و گرنه برآمدن از عهده دعای مدعی بدون عذر (کتابچه ثبت التزامات، نمره ۱۰۷) و موارد مشابه. البته سند نمره ۱۳۶ در این کتابچه التزام‌نامه نیست و اطلاعی است تا سردار اکرم میرزا جواد، مباشر موقوفات را به مرکز راهی کند.

از ارزیابی کلی کتابچه ثبت التزامات مشخص می‌شود که فقط مراحل انجام توافقات و قراردادهای طرفین دعوی ثبت و ضبط می‌شده است و مراحل بعدی گردش کار که معرفی به محکمه شرع، روند دادرسی و اعلام رأی به دیوان‌خانه عدالت عظمی و در نهایت نحوه اجرای احکام مزبور است، با خلأ اطلاعات مواجه است و با استفاده از اسناد محاکم شرع باید آن را روشن کرد.^۱

۹. اهمیت داده‌های کتابچه‌ها برای مطالعه تاریخ ایران و تاریخ تشکیلات قضایی عرف و شرع

افزون بر آنچه از اهمیت داده‌های دو کتابچه مذکور برای مطالعه ساختار و گردش کار امور در دیوان‌خانه عدلیه اعظم به آن اشاره شد، از اطلاعات موجود برای تحلیل وضعیت حقوقی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی سال‌های مربوط هم می‌توان استفاده کرد. چند محور مشخص در این راستا چنین است:

۱. اطلاعات منحصر به فرد کتابچه‌ها درباره طرز کار دیوان عدلیه اعظم و به ویژه مجالس تخصصی آن تاکنون در دسترس نبوده است تا بتوان جزئیات فرایندهای حقوقی و طرز عمل دیوان عدلیه را روشن کرد. از جمله ر.ک: (kondo, 2017).

۲. اطلاعات کتابچه‌ها درباره روابط دیوان عدلیه اعظم با محاکم شرع پایتخت بسیار دقیق و شامل جزئیات است. مستندترین اطلاعات درباره روابط عالمان دین و بخش دیوانی قاجار - به ویژه در آستانه انقلاب مشروطه - در دو کتابچه قابل دسترس است. اطلاعاتی از عالمان

۱. درباره گردش امور قضایی در آن دوره در ولایات، تحقیقی مفصل مستند بر «کتابچه احکام ولایت ثلاث»، مربوط به سال ۱۳۳۵ ق در جریان است که به زودی نتایج آن در تطبیق با دستاورد پژوهش حاضر عرضه خواهد شد.

حاکم شرع مورد اعتماد عدلیه، مستندات آراء حقوقی و قضایی آنان، مقبولیت اجتماعی آنان، رویه‌های دادرسی و حکمیت در امور و نظایر آن، برای بررسی‌های مربوط بسیار مغتنم است. ۳. داده‌های اسناد مذکور چشم‌اندازی از چالش‌های حقوقی آن دوره زمانی را ارائه می‌کند. برخی از دعاوی که در سازوکارهای موجود امکان ختم نداشته تا سطوح عالی دادخواهی در دیوان عدلیه و حتی تا سطح شاه‌پی‌گیری می‌شده‌است. بررسی ماهیت دعاوی و گردش کار پرونده‌ها از نظر تاریخ حقوقی و قضایی، و نحوه تنظیم و ضبط اسناد، مدارک و شواهد اهمیت دارد. هم‌چنین اشاره به آسیب‌ها و نارسایی‌های این روند هم در متن اسناد وجود دارد.

۴. **کتابچه ثبت قبالات** که در واقع از نظر گردش کار کتابچه دوم این مجلد است، از نحوه «دادرسی دعاوی» در محاکم شرع تهران اطلاعاتی ناب دارد. در مواردی که طرفین دعوی به محکمه مورد توافق ارجاع می‌شدند، رأی پس از دادرسی در قباله‌ها ثبت می‌شد. یک نسخه از قباله به دیوان عدلیه اعظم ارسال می‌شد تا پس از ثبت دفتری، مراحل تسجیل و پی‌گیری اجرائیات موضوع دعوی توسط مقامات دیوان‌خانه - که در نهایت وزیر عدلیه یا «صدر دیوان» بود - انجام شود و سپس قباله در «کتابچه ثبت قبالات» درج شود. در نهایت یک نسخه از قباله مزبور به «مجلس اجرا» ارجاع می‌شد تا وفق التزام قبلی طرفین در پذیرش نتیجه رسیدگی قضایی، رأی نهایی به کار بسته شود. اطلاعات موجود از چگونگی گردش کار اداری بین محاکم عرف و شرع بسیار ذی‌قیمت و از زوایای مختلف قابل کاوش است.

۵. افزون بر ماهیت دعاوی، دیگر زمینه‌های مربوط به موضوع چون سنخ‌شناسی چالش‌های حقوقی و قضایی، الگوهای رسیدگی به مرافعات در محاکم شرع، آشنایی دقیق با رویه‌های دادرسی در محاکم شرع و نیز آراء مجتهدان بزرگ تهران درباره مسائل و چالش‌های روز، عرصه‌های فراتری را برای مطالعه فراهم کرده‌است. برای نمونه از نظر اسلوب دادرسی مجموعه آراء حکام شرع در امور کیفری و حقوقی، مجموعه‌ای غنی از رویه حقوقی و قضایی در دوره مدنظر است.

۶. اطلاعات کتابچه‌ها از ساختار عرف و شرع در نظام قضایی دوره قاجار بسیار غنی است؛ از جمله این اطلاعات: موقعیت دیوان عدلیه نسبت به محاکم شرع؛ محدودیت‌های اعمال شده بر محاکم شرع، و به‌ویژه ارزیابی پایایی الگوها و رویه‌های وضع شده در جریان اصلاحات دستگاه قضا تا پیش از مشروطه؛ نحوه پشتیبانی اداری، حقوقی و قضایی دیوان عدلیه از محاکم شرع از جمله تضمین پذیرش احکام محاکم شرع توسط طرفین؛ مدیریت چالش‌ها و مسائل اجتماعی توسط دیوان شرع و عرف و تفوق دیوان عدلیه در حل و فصل مسائل در قیاس با محکمه شرع؛ تجمیع اجرائیات در دیوان عرف؛ و موارد مشابه.



۷. ارجاع به حکام شرع تهران دو حالت داشت: در حالت اول سابقه دعوی نزد یکی از حکام شرع وجود داشت، بنابراین موضوع به او ارجاع می‌شد. در حالت دوم، موضوع به روال تعریف شده از دیوان به محکمه ارسال می‌شد. اشاره به اسامی شماری از عالمان دین و حکام شرع در کتابچه‌ها، به دلیل مدخلیت آن‌ها در قبالات بوده است؛ ولی حکام شرع طرف همکاری با دیوان که نامشان در کتابچه درج شده است، دارای صلاحیت و مورد وثوق دیوان خانه عدلیه بوده‌اند و پرونده‌ها به آن‌ها ارجاع می‌شده است.

۸. افزون بر آنچه درباره اهمیت داده‌های موجود در اسناد مدنظر ذکر شد، اطلاعات بسیار بیشتری در متن کتابچه‌ها وجود دارد که گزارش اجمالی از وضعیت کیفی داده‌های مربوط با شیوه مقوله‌بندی چنین است:

- داده‌های مربوط به عناصر کالبدی، امکان و فضاهای شهری و روستایی (نام محلات، گذرها، کوچه‌ها، مشخصات عمارت‌های مسکونی و تجاری...):
 - خانواده و مسائل آن، ازدواج، طلاق؛
 - معاملات و اجاره مستغلات شهری و روستایی، ارزش ملک؛
 - چالش و مسائل مالکیت؛
 - اسامی طوایف و قبایل، خاندان‌ها؛
 - منزلت اجتماعی: القاب و عناوین؛
 - اوزان و مقادیر، پول و مسکوکات؛
 - مالیات، عوارض، رسوم و چالش‌های مربوط؛
 - آیین دادرسی شرعی و عرفی؛
 - محاکم و حکام شرع، ویژگی‌ها و عملکردها؛
 - چالش‌ها و مسائل حقوقی در جامعه، آراء و رویه‌های حقوقی و قضایی، شیوه‌های حل دعاوی؛
 - اجرای قانون در جامعه، گریز از اجرای تعهدات؛
 - ارزیابی اسناد و مدارک حقوقی، جعل و دست‌کاری اسناد؛
 - تولید و گردش مکاتبات، نظام بایگانی در تشکیلات اداری، آسیب‌ها و نارسایی‌های مربوط و شیوه‌های حل آن؛
 - وصیت، ارث، چالش‌ها و نزاع‌های حقوقی و اجتماعی مربوط؛
 - وقف، احکام مربوط، آسیب‌ها، اداره موقوفه‌ها؛
 - و شماری از مقولات دیگر.
- در هر یک از مقولات ذکر شده داده‌های بسیار ارزشمندی وجود دارد که از نظر مطالعات

تاریخ حقوق ایران، تاریخ اجتماعی ایران، تاریخ تشکیلات و نهادهای حقوقی، تاریخ روحانیون، تاریخ شهر تهران، و موضوعات دیگر مهم است.

۱۰. نتیجه

تکاپوهای نوسازی جامعه ایران در سده ۱۳ق/ ۱۹م بر تشکیلات حکمرانی تمرکز داشت. در حوزه امور حقوقی و قضایی، دیوان عدلیه به عنوان بخشی پیشتاز در این راستا تغییرات و نوسازی‌هایی را از سر گذراند که به ناگزیر تشکیلات محاکم شرع را هم با وجود تعلق آن به حوزه دین، درگیر کرد. سیاست‌گذاری‌ها و اصلاحات حاصله در تشکیلات عرف که تحت تأثیر شرایط بین‌المللی و مقتضیات جامعه روی داد (مانند تعهدات ناشی از معاهدات بین‌المللی، حقوق کنسولی و نوسازی حقوق مدنی، ظهور محاکم اختصاصی (تجارت) و راهبردهای تمرکزگرایانه در حکمرانی) عوامل فشار روزافزون بر تشکیلات دادرسی شرعی بودند. بررسی داده‌های موجود نشان داد با وجود اینکه حکومت و دیوان عدلیه برای برقراری سیطره بر قلمروهای رقیب در جامعه، به محدودسازی روند دادرسی شرعی پرداختند، ولی حوزه دادرسی شرعی عمده استقلال عمل دیرینه خود را تا آستانه مشروطیت حفظ کرد و تنها در جریان تصویب قوانین دادرسی و استقرار تشکیلات جدید عدلیه در دوره انقلاب مشروطه و رخدادهای دهه بعدی بود که دگرگونی‌های عمیقی در تشکیلات و حدود اختیارات محاکم شرع روی داد.

منبع

سند

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): تشکیل مجلس وزارت عدالت عظمی، حدود و اختیارات و وظایف دیرینه آن، شماره‌بازایی ۲۹۶۰۰۴۴۲۶.

نسخه خطی

«کتابچه ثبت قبایجات دیوان‌خانه عدلیه اعظم از بابت هذه السنه لوی‌نیل ۱۳۲۲ قمری شهر محرم الحرام» (۵۶ برگ) و «کتابچه ثبت التزامات دیوان‌خانه عدلیه اعظم از بابت هذه السنه لوی‌نیل ۱۳۲۲ قمری شهر محرم الحرام» (۲۷ برگ). قم: کتاب‌خانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی. ۸۶ برگ. شماره‌بازایی ۸۳۱۷

قرآن کریم.



- آدمیت، فریدون. (۱۳۶۲). *امیرکبیر و ایران*. (ج ۷). تهران: خوارزمی.
- آدمیت، فریدون. (۱۳۸۵). *اندیشه ترقی و حکومت قانون (عصر سپه سالار)*. تهران: خوارزمی.
- ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۶۲). *مقدمه ابن خلدون*. (ج ۱). (محمد پروین گنابادی، مترجم). تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۷). *مرآت البلدان*. (ج ۲ و ۳). (عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، کوشش گران). تهران: دانشگاه تهران.
- امین، حسن. (۱۳۸۲). *تاریخ حقوق ایران*. تهران: دایره المعارف ایران شناسی.
- الگار، حامد. (۱۳۵۶). *نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، دین و دولت در ایران، نقش علما در دوره قاجاریه*. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: توس.
- جوادی، محمداسلم. (۱۳۹۰). *دین و زندگی روزمره*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- جوادی یگانه، محمدرضا و ریحانه جوادی. (۱۳۹۲). *اصلاحات سه ساله: بررسی جامعه شناختی شکست روندهای اصلاحی در عصر ناصری*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دامغانی، محمدتقی. (۱۳۵۷). *صد سال پیش ازین*. تهران: شبگیر.
- دانش پژوه، مصطفی. (۱۳۸۹). *مقدمه علم حقوق با رویکرد به حقوق ایران و اسلام*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- زندیه، حسن. (۱۳۹۲). *تحول نظام قضایی ایران در دوره پهلوی اول (عصر وزارت عدلیه علی اکبر داور ۱۳۰۵-۱۳۱۲ ش)*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ساکت، محمدحسین. (۱۳۶۵). *نهاد دادرسی در اسلام: پژوهشی در روند و روش دادرسی و سازمان‌های وابسته از آغاز تا سده سیزدهم هجری*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- شاخت، یوزف. (۱۳۸۸). *دباجه‌ای بر فقه اسلامی*. (اسدالله نوری، مترجم). تهران: هرمس.
- طیبی، محمد. (۱۳۸۸). *نظام قضایی و آیین دادرسی ایران (از افشاریه تا انقلاب مشروطه)*. کرمان: دانشگاه کرمان.
- غفرانی، علی. (۱۳۸۷). *فرهنگ و تمدن اسلامی در ماوراءالنهر از سقوط سامانیان تا برآمدن مغولان*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- فهاد، محمود. (۱۳۲۵). *تاریخ سیاسی دوره صدارت میرزا حسین خان مشیرالدوله سپه سالار اعظم*. تهران: علمی.
- فلور، ویلم؛ بنانی، امین. (۱۳۸۸). *نظام قضایی عصر قاجار و پهلوی*. (حسن زندیه، مترجم). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کسروی، احمد. (۱۳۶۳). *تاریخ مشروطه ایران*. (ج ۱). (ج ۱۶). تهران: امیرکبیر.
- کرون، پاتریشیا. (۱۳۸۹). *تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام*. (مسعود جعفری، مترجم). تهران: سخن.

کنفیو، الن. (۱۳۹۴). «تاریخ زندگی روزانه» چاپ شده در کتاب: *تاریخ اجتماعی (دانش، روش، آموزش)*.
 (ابراهیم موسی پور و محمدابراهیم باسط، گردآورندگان و مترجمان). تهران: سمت.
 ماوردی، ابوالحسن علی ابن محمد ابن حبیب. (۱۳۸۳). *آیین حکمرانی*. (حسین صابری، مترجم). تهران:
 سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
 مستوفی، عبدالله. (۱۳۸۸). *شرح زندگانی من، یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*. (ج ۱). (ج ۶). تهران:
 زوار.
 نخجوانی، محمدبن هندوشاه. (۱۳۹۵). *دستورالکاتب فی تعیین المراتب*. (ج ۲). (علی اکبر احمدی دارانی،
 مصحح). تهران: نشر میراث مکتوب.

مقاله

آبادیان، حسین. (زمستان ۱۳۸۹). «موازنه‌ی عرف و شرع در نظام حقوقی ایران دوره قاجار». *مطالعات تاریخ
 اسلام*، س ۲، ش ۷، صص ۷-۲۴.
 آل داوود، سیدعلی. (بهار-تابستان ۱۳۸۳). «رساله‌ای کهن در حقوق اساسی و اداری ایران». *مجله کانون
 وکلاء*، شماره ۱۸۴-۱۸۵، صص ۸۹-۱۲۲.
 شهیدی، حمیده؛ وکیلی، هادی؛ سرافرازی، عباس. (زمستان ۱۳۹۶). «مؤلفه‌های موردانتظار مردم از عدلیه
 و تکاپوی دستگاه قضا در برآوردن آن طی سال‌های آغازین مشروطه». *گنجینه اسناد*، س ۲۷، ش ۴،
 صص ۶۶-۸۹.
 ملایی توانی، علی رضا. (بهار ۱۳۹۱). «ملاحظات در مفهوم عدالت‌خانه (۱۳۲۴ق/ ۱۹۰۶م)». *پژوهش‌های
 تاریخی*، دوره جدید، س ۴، ش ۱، (پیاپی ۱۳)، صص ۱۱۳-۱۳۰.
 مهدوی دامغانی، احمد. (دی-بهمن ۱۳۸۳). «محاكم قضایی در زمان قاجاریه». *ماهنامه کانون وکلاء*، ش ۵۴،
 صص ۸۱-۸۹.

روزنامه

روزنامه دولت عدلیه «ایران»: ش ۵۳۵، ۱۷ رجب ۱۲۷۹ق، صص ۳-۶؛ نمره ۵۱۲، سه‌شنبه ۱۷ جمادی الاول ۱۳۰۰ق،
 صص ۲-۳. (تهران، کتابخانه ملی ایران، ۱۳۷۰).
 روزنامه وقایع اتفاقیه: ش ۴۰۷، پنج‌شنبه ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۲۷۵ق، صص ۲-۴.
 روزنامه وقایع عدلیه اعظم: نمره ۱ و ۲. چاپ شده در: گلبن، محمد. (زمستان ۱۳۷۳). «روزنامه وقایع عدلیه».
 رسانه، س ۵، ش ۲۰، صص ۸۶-۹۱.

منابع لاتین



- Ando, shiro; savory, Roger m. (1995). "DĪVĀNBEGĪ". In: *Encyclopedia Iranica*. (Ehsan yarshater, ed). mazda pub, vol. III, fascicle 4, pp 439-440.
- Floor, willem. (2000). "The Secular judicial system in safavid Persia". *Studia Iranica*, 29(1), pp 9-60.
- Kondo, nobuaki. (2017). *Islamic law and society in iran: A social history*

English Translation of References

Documents

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran): "Taškīl-e majles-e vezārat-e 'edālat-e ozmā, hodud va extiārāt va vazāyef-e dirine-ye ān" (The formation of the council of the grand justice ministry, its boundaries, options and deep-rooted responsibilities), retrieval number: 296004426. [Persian]

Manuscripts

"Ketābche-ye sabbt-e qabālejāt-e divān-xāne-ye 'adlie-ye a'zam az bābat-e hāzeh-es-sanate lavi-eel 1322 qamari šahr-e moharram ol-harām" (The booklet of the recorded documents of the supreme court in the April of the year of the whale, 1904) (56 pages), and "Ketābche-ye sabbt-e eltezāmāt-e divān-xāne-ye 'adlie-ye a'zam az bābat-e hāzeh-es-sanate lavi-eel 1322 qamari šahr-e moharram ol-harām" (The booklet of the recorded requirements of the supreme court in the April of the year of the whale, 1904) (27 pages). Qom: Ketābxāne-ye Omumi-ye Āyat-ollah Mar'āši-ye Najafi (Public Library of Ayat Allah Marashi Najafi) (86 pages), retrieval number: 8317. [Persian]

Books

- Adamiyat, Fereidoon. (1362/1983). "*Amir Kabir va Irān*" (Amir Kabir and Iran) (7th ed.). Tehran: Xārazmi. [Persian]
- Adamiyat, Fereidoon. (1385/2006). "*Andiše-ye taraqqi va hokumat-e qānun: Asr-e sepah sālar*" (Thought of progress and the rule of law: The generalissimo (Reza Shah) era).



- Tehran: Xārazmi. [Persian]
- Ando, shiro & savory, Roger m. (1995). "DĪVĀNBEGĪ". In Ehsan Yarshater (Ed.) *Encyclopedia Iranica* (pp. 439-440) (vol. III, fascicle 4). Mazda pub.
- Amin, Hasan. (1382/2003). "*Tārix-e hoquq-e Irān*" (The law history of Iran). Tehran: Dāyerat Al-Ma'āref-e Irān-šenāsi. [Persian]
- Confino, Alon. (1394/2015). "*Tārix-e zendegi-ye ruzāneh*" (The history of everyday life). In Ebrahim Musapour & Mohammad Ebrahim Baset (Trans. & Eds.), "Tārix-e ejtemā'ee: Dāneš, raves, āmuzeš" (Social history: Knowledge, method, education). Tehran: SAMT. [Persian]
- Crone, Patricia. (1389/2010). "*Tārix-e andīše-ye siāsi dar eslām*" (Medieval Islamic political thought). Translated by Mas'oud Jafari. Tehran: Soxan. [Persian]
- Damghani, Mohammad Taghi. (1357/1978). "*Sad sāl piš az in*" (One hundred years before now). Tehran: Šabgir. [Persian]
- Daneshpajoo, Moštafa. (1389/2010). "*Moqaddame-ye 'elm-e hoquq bā ruykard be hoquq-e Irān va eslām*" (An introduction to law with an approach to Iranian and Islamic law). Qom: Pažuhešgāh-e Hozeh va Dānešgāh (Research Institute of Hawzeh and University). [Persian]
- Ebn-e Khaldoun, Abd Al-Rahman. (1362/1983). "*Moqaddame-ye Ebn-e Xaldun*" (Ebn-e Khaldoun's introduction) (vol. 1). Translated by Mohammad Parvin Gonabadi. Tehran: Markaz-e Entesārāt-e 'Elmi va Farhangi (Elmi Farhangi Publishing Co.). [Persian]
- E'temad Al-Saltaneh, Mohammad Hasan Khan. (1367/1988). "*Mer'āt ol-boldān*" (The mirror of cities) (vol. 2 & 3). Edited by Abd Al-Hossein Navayi and Mir Hashem Mohaddes. Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (Tehran University). [Persian]
- Farhad, Mahmoud. (1325/1946). "*Tārix-e siāsi-ye dowre-ye sedārat-e Mirzā Hasan Xān Mošīr-od-Dowleh sepah sālār-e a'zam*" (The political history of the prime ministry of Mirza Hasan Khan Moshir Al-Dowleh, the grand generalissimo). Tehran: 'Elmi. [Persian]
- Floor, Willem M. & Banani, Amin. (1388/2009). "*Nezām-e qazāyī-ye asr-e Qājār va Pahlavī*" (The judicial system of Qajar and Pahlavi era). Translated by Hasan Zandieh. Qom: Pažuhešgāh-e Hozeh va Dānešgāh (Research Institute of Hawzeh and University). [Per-



- sian]
- Ghofrani, Ali. (1387/2008). *“Farhang va tamaddon-e eslāmi dar māvarā-‘on-nahr az soqut-e Sāmāniān tā barāmadan-e Moqolān”* (Islamic culture and civilization in Transoxiana from the fall of the Sassanids to the rise of the Mongols). Qom: Pažuhešgāh-e Olum va Farhang-e Eslāmi (Islamic Sciences and Culture Academy). [Persian]
- Javadi, Mohammad Aslam. (1390/2011). *“Din va zendegi-ye ruzmarreh”* (Religion and everyday life). Tehran: Pažuhešgāh-e Farhang, Honar va Ertebātāt (Research Center for Culture, Arts and Communication). [Persian]
- Kasravi, Ahmad. (1363/1984). *“Tārix-e mašrute-ye Irān”* (The constitutional history of Iran) (vol. 1) (16th ed.). Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Kondo, Nobuaki. (2017). *Islamic law and society in Iran: A social history of Qajar Tehran*. Routledge: London & New York.
- Mavardi, Abu Al-Hasan Ali Ibn Mohammad Ibn Habib. (1383/2004). *“Āyin-e hokmrāni”* (How to rule). Tehran: Sāzmān-e Enteshārāt va Āmuzeš-e Enqelāb-e Eslāmi (Organization of Islamic Revolution Publications and Education). [Persian]
- Mosaheb, Gholam Hossein. (1356/1977). *“Dā‘erat-ol-ma‘āref-e Fārsi”* (Persian encyclopedia) (vol. 2). Tehran: Frānklin. [Persian]
- Mostowfi, Hamdullah. (1388/2009). *“Šarh-e zendegāni-ye man, yā tārix-e ejtemā‘ee va edāri-ye dowre-ye Qājārieh”* (The story of my life, or the social and ministerial history of Qajar era) (vol. 1) (6th ed.). Tehran: Zovvār. [Persian]
- Nakhjavani, Mohammad Ibn Hendou Shah. (1395/2016). *“Dastur ol-kāteb fi ta‘yin el-marāteb”* (The writer’s instructions to determine ranks) (vol. 2). Edited by Ali Akbar Ahmadi Darani. Tehran: Našr-e Mirās-e Maktub (The Written Heritage Research Centre). [Persian]
- “Qor‘ān-e karim”* (The holy Quran).
- Saket, Mohammad Hossein. (1365/1986). *“Nahād-e dādersi dar eslām: Pažuheši dar ravand va raveš-e dādersi va sāzmān-hā-ye vābaste az āqāz tā sade-ye sizdahom-e hejri”* (The jurisprudence of Islam: A study on the procedure and method of jurisdiction and related organizations from the beginning to the thirteenth century AH/ nineteenth and twentieth century AD). Mashhad: Enteshārāt-e Āstān-e Qods-e Razavi (Āstān Qods

- Razavi Publications). [Persian]
- Schacht, Joseph. (1388/2009). *“Dibāche-ee bar feqh-e eslāmi”* (An introduction to Islamic law). Translated by Asad Allah Nouri. Tehran: Hermes. [Persian]
- Tayyebi, Mohammad. (1388/2009). *“Nezām-e qazāyi va āyin-e dādresi-ye Irān: Az Afšārieh tā enqelāb-e mašruteh”* (Iranian judicial system and procedure rules: From Afsharid era to the constitutional revolution)). Kerman: Dānešgāh-e Kermān (Kerman University). [Persian]
- Zandieh, Hassan. (1392/2013). *“Tahavvol-e nezām-e qazāyi-ye Irān dar dowre-ye Pahlavi-ye avvs: Asr-e vezārat-e ‘adlie-ye Ali Akbar-e Dāvar, 1305-1312”* (Developments of the judiciary in early Pahlavi period: Ali Akbar Davar in the office 1926-1933), Qom: Pažuhešgāh-e Hozeh va Dānešgāh (Research Institute of Hawzeh and University). [Persian]

Articles

- Abadian, Hossein. (Winter, 1389/2011). *“Movāzene-ye ‘orf va šār’ dar nezām-e hoquqi-ye Irān dar dowre-ye Qājār”* (The balance of Shar’ and ‘Urf in the legal system of Qajar period). Motāle’āt-e Tārix-e Eslām (Quarterly Journal of Historical Studies of Islam), 2 (7), pp. 7-24. [Persian]
- Al Davoud, Seyyed Ali. (Spring & Summer, 1383/2004). *“Resāle-ee kohān dar hoquq-e asāsi va edāri-ye Irān”* (An old treatise on the constitutional and administrative law of Iran). Majalle-ye Kānun-e Vokālā’, (184 & 185), pp. 89-122. [Persian]
- Floor, willem. (2000). *“The secular judicial system in Safavid Persia”*. Studia Iranica, 29 (1), pp. 9-60.
- Mahdavi Damghani, Ahmad. (Dey-Bahman 1383/January-February 2015). *“Mahākem-e qazāyi dar zaman-e Qājārieh”* (Judicial courts in Qajar era). Māhnāme-ye Kānun-e Vokālā’, 54, pp. 88-89. [Persian]
- Mollayi Tavani, Alireza. (Spring, 1391/2012). *“Molāhezāti dar mafhum-e ‘edālatxāneh (1324 hejri qamari)”* (An enquiry on the House of Justice concept (Edalatkhaneh), 1926 AD). Pažuheš-hā-ye Tāixi (Journal of Historical Researches) (New Series), 4 (1), pp. 113-130. [Persian]



Shahidi, Hamideh; Vakili, Hadi & Sarafrazi, Abbas. (Winter, 1396/2018). *“Mo’allefe-hā-ye mored-e entezār-e mardom az ‘adlieh va takāpu-ye das̄tgāh-e qazā dar barāvardan-e ān tey-ye sāl-hā-ye āqāzīn-e mašruteh”* (Community expectations from the judiciary in the years immediately after the 1906 Constitutional Revolution in Iran). *Ganjine-ye Asnād*, 27 (4), pp. 66-89. [Persian]

Newspaper

Ruznāme-ye Dowlat Alayhe “Irān” (Government against “Iran” Newspaper): No. 535, 17 Rajab 1279 / 8 January 1863, pp. 3-6; No. 512, Tuesday, 17 Jamadi Al-Avval 1300 / 26 March 1883, pp. 2-3. (Tehran, Ketābxāne-ye Melli-ye Irān, 1370) (Tehran, The National Library of Iran, 1991). [Persian]

Ruznāme-ye Vaqāye’-e Ettefāqieh: No. 407, Thursday, 11 Rabi’ Al-Sāni 1275 / 18 November 1858, pp. 2-4. [Persian]

Ruznāme-ye Vaqāye’-e ‘Adlieh: No. 1 & 2. Published in: Golbon, Mohammad. (1373/1994). “Ruznāme-ye vaqāye’-e ‘adlieh”. *Resāneh*, 5 (20), pp. 86-91. [Persian]

